



ویژه نامه ۸ مارس (روز جهانی زن)

سال اول ◆ شماره دوم ◆ اسفند ۱۳۹۶

صاحب امتیاز، مدیرمسئول و سردبیر: زهراسالاری

هیئت تحریریه: زهراسالاری، پوریافرام، فرنوش شیخ
محمد جواد محبی (دانشگاه شهید بهشتی)

ویراستار: حانیه عباس
صفحه آرا: گروه گرافیک دنیگراف



@magazinezzan

۸ مارس، روز جهانی زن

آنچه امروز تحت عنوان حضور اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان شناخته می‌شود، در کمتر از ۱۰۰ سال قبل آزویی بود که جنبش‌های حقوق زنان برای رسیدن به آن مبارزه می‌کردند.

به نقل از «فرادید»، با آغاز قرن بیستم به دنبال پیشرفت‌های صنعتی جهان مدرن و بعدها وقوع دو جنگ ویرانگر جهانی زمینه برای افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان فراهم شد.

افزایش مشارکت اجتماعی زنان با کار در کارخانه‌ها و ادارات و بعدها در جبهه نبرد به عنوان امدادگر اولین گامها برای احقاق مطالبات اجتماعی آنها بود. در آن روزها شرایط کاری سخت با دستمزد کم برای زنان باعث شد آنها دست به اعتراض علیه آنچه «تابرابری» می‌دانستند، بزنند.

شناخته شده‌ترین نماد مبارزه اجتماعی زنان در تاریخ معاصر مربوط به هشتم مارس ۱۹۰۸ میلادی و اعتراض به همین شرایط سخت کاری بود. در این روز گروهی از زنان کارگر در یک کارخانه نساجی در نیویورک دست به اعتراض زدند. رئیس کارخانه برای جلوگیری از گسترش اعتراض آنها در کارخانه محبوب کرد اما یک آتش‌سوزی مشکوک باعث شد نزدیک به ۱۲۹ تن از زنان کارگر جان خود را از دست بدند.

در آن سال‌ها زنان در کشورهای مختلف اروپایی و امریکا در کنار مبارزه برای رفع تعییض و استثمار کاری برای احقاق حق مشارکت سیاسی نیز مبارزه می‌کردند. حق رای و مشارکت زنان در انتخابات محصول جنبش‌هایی است که در آغاز قرن بیستم شکل گرفت. به روایت تاریخ، نیوزیلند نخستین کشور مستقلی بود که در سال ۱۸۹۳ رای زنان در آن به رسمیت شناخته شد.

چندی پیش از این تاریخ یعنی به سال ۱۸۶۶ جنبش حقوق زنان در انگلستان مبارزه برای رسیدن به حق مشارکت سیاسی را آغاز کرده بود اما این جنبش در سال ۱۹۱۸ توانست به حق رای برسد. چیزی که در امریکا به سال ۱۹۲۰ و در فرانسه به سال ۱۹۴۴ به وقوع پیوست. خبرگزاری رویترز در آستانه هشتم مارس روز جهانی زن نگاهی انداخته به ۱۰۰ سال قبل و زمانی که زنان در کارخانه و اداره و پشت جبهه جنگ حضور داشتند؛ روزهایی که آنها در شرایط سخت و نابرابر به کار مشغول بودند و محدودیت‌ها هنوز امکان مشارکت سیاسی و اجتماعی فعل آنان را فراهم نکرده بود.



اصلاً چه کسی گفت که زنان بایند و رای بدeneند؟

◆ مهرنوش شیخی - دانشگاه خوارزمی



علل تاثیرگذار بر این امر گذراندن حداقل حقوق انسانی و شهروندی از فیلترهای سیاسی، مذهبی و ... باشد. بدین معنی که حاکمیت بی قید و شرط یک ایده، بود به مجلس ببرند و در آن با کمیسیون تجدید اختیارات و آزادی را محدود و اعضای آن جامعه را صرفاً به مصرف کنندگان نسخه‌های تجویزی افراد قدرتمند بدل می‌کند. این تنگی‌گذاشت نهایت فضا را برای نفس کشیدن برخی سخت خواهد کرد و انسان نزدیک به مرگ بیشترین انگیزه و نیرو را برای زندگی کردن دارد.

بریتانیا

اولین نشریه فمینیستی به نام دفاع از حقوق زن در بریتانیا منتشر شد. (سال ۱۷۹۲) شکل گیری اتحادیه سیاسی-اجتماعی زنان با هدف گرفتن حق رای آغاز به کار کرد. زنان از تمام سنین و گروه‌ها تظاهرات کردند، تظاهرات کنندگان به زندان افتادند، از شرکت در مکان‌های جلسات محروم شدند و از جایگاه پارلمانی (مجلسی) پایین کشیده شدند.

(سال ۱۹۰۳)

با شروع جنگ جهانی اول، اتحادیه زنان برای حمایت از تلاش (عملیات جنگی) تصمیم به آتش بس گرفتند. آن زمان هزاران نفر از اعضای اتحادیه به صورت داوطلبانه در مجاهدت‌های جنگی شرکت کردند. این خدمات حمایت کننده، یک عامل بسیار تأثیرگذار در کاهش مقاومت دولت در برابر اهداف اتحادیه بود.

(سال ۱۹۱۴)

حق رای برای زنان ۳۰ سال و بالاتر. (سال ۱۹۱۸) سن حق رای برای زنان به ۲۱ سال کاهش یافت.

(سال ۱۹۲۸)



ایران

تصویت متمم قانون اساسی که در آن زنان در کنار کودکان و دیوانگان از حق رای محروم شدند. (۱۲۸۶ مهر ۱۳۴۱) تشكیل «حزب زنان ایران» با حضور ۱۵۰ نفر از زنان فعال در آن زمان و نگارش اساس نامه حزب. هدف اصلی دست یابی به حق رای برای زنان بود. (مرداد ۱۳۲۲)

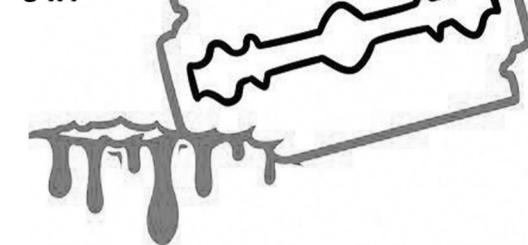
اصلاح مجدد قانون انتخابات در دستور مجلس شورای اسلامی قرار گرفت. (دی ماه ۱۳۲۳) ارائه لایحه مربوط به حقوق زنان از سوی فراکسیون حزب توده در مجلس و رای نیاوردن این لایحه در مجلس شورای ملی باعث توقف این لایحه شد. (سال ۱۳۲۶)



ناقص سازی جنسی زنان سنت نیست، شکنجه است.

◆ زهرا سالاری

دانشگاه خوارزمی



تحت این عمل قرار گرفته‌اند.

محرك‌هایی که ختنه زنان را تداوم می‌بخشد شامل سنت، فرهنگ، فشار اجتماعی و فرهنگی هستند. گرچه تاریخچه ختنه زنان به پیش از اسلام برمی‌گردد و در قرآن بدان اشاره‌ای نشده و توسط اکثریت مسلمانان جهان اجرا نمی‌شود. غالباً در برخی مناطق معتقد‌ند که ختنه زنان یک دستور اجرای اسلامی است.

در صورتی که ناقص سازی جنسی زنان با حمایت سنت، فرهنگ و باورهای غلط رو به رو است و با عواملی چون فقر، بی‌سوادی، جایگاه اجتماعی پایین زنان و امکانات ناکافی بهداشتی جاودانه شده است. در بعضی

کشورها انجام این عمل با ناگاهی به صورت یک رسم پذیرفته شده است. در صورتی که در هیچ جای قرآن و سنت هیچ اشاره‌ای به ناقص سازی زنان نشده است. همچنین در بیانیه مشترکی که سازمان بهداشت جهانی، یونیسف، یونسکو، سازمان ملل متعدد و سایر سازمان‌های وابسته به سازمان ملل علیه ناقص سازی جنسی زنان منتشر نموده‌اند، صریحاً عنوان شده که هیچ سود پزشکی برای ختنه دختران شناخته نشده است.

ریشه‌کن کردن ناقص سازی جنسی زنان در ایران نیازمند تلاش سازمانی و مردمی است. در ایران بیش از

ده سال است که پژوهشگران در این زمینه مشغول فعالیت هستند. کمپین گام به گام تا توقف ناقص سازی

جنسي زنان در ایران stop FGM (Iran)

تلاش دارد با شعار «حتی یک قربانی هم زیاد است» و نماد گل شفاقتی، بازتابی باشد از فعالیت‌هایی

که در جهان، خاورمیانه و به ویژه ایران در حال انجام است. بسیاری از مردم با اعتقاد به کلیشه‌ها و انگیزه‌های نادرست به تداوم ناقص سازی جنسی زنان دامن

می‌زنند. برخی هم بدون آگاهی کافی نسبت به انجام دهنده‌گان موضع گیری‌های تندی دارند به عنوان مثال

این افراد معتقد‌ند که ختنه زنان دستور دین اسلام و

یا میراثی از اعراب است.



اما سوال اصلی هنوز پایرجاست، در جامعه‌ای که برای کودکی بی‌اجازه تصمیم می‌گیرد که تمایل جنسی او را کم کند و او را ناقص می‌کند و تنها حامیان کودک پشتیبان این رسم هستند چه کسی باید طرح شکایت کند؟!

سونوشت نامعلوم لایحه منع خشونت علیه زنان

◆ پوریا فرجامی - دانشگاه خوارزمی

«به گزارش پایگاه خبری دیده‌بان هشتم، خانم جوانی که کمتر از سه ماه از ازدواجش می‌گذرد مدام از دست بزن داشتن همسرش آن هم به این دلیل که بسیار درس می‌خواند و چرا مانند دیگر زنان به ظاهر خود نمی‌رسد و قلیان نمی‌کشد... گلایه می‌کند، از یکی از دوستانش که خبرنگار حوزه قضایی است برای این امر کمک می‌طلبد و دوستش او را برای راهنمایی به پزشکی قانونی ارجاع می‌دهد.

اما هزینه پزشکی قانونی و معطلي در رفت‌وآمد که مانع مطالعه او می‌شود، این خانم را در پیگیری‌هایش دلسرد می‌کند؛ این همه ماجرا نیست چون باید تا پزشکی قانونی تشخیص دهد.

این رفتار همسر، هر از چند گاهی تکرار می‌شود؛ اما این خانم تا حدودی بی‌خیال می‌شود. بهاره که دانشجوی مقطع دکتری است به همراه همسرش تصمیم می‌گیرند برای فرصت مطالعاتی به یکی از کشورهای اروپایی بروند، اما از همسرش به

در مطالعات بسیاری عوارض پزشکی برش دستگاه تناسلی زنان بررسی شده است. معمولاً عارضه‌های

ناشی از این عمل را به سه دسته کوتاه‌مدت، بلند مدت و عوارض زنانه تقسیم می‌کنند. عوارض کوتاه

مدت را می‌توان در خون‌ریزی، درد شدید، عفونت‌های موضعی و منظم، شوک ناشی از خون‌ریزی زیاد و در

نهایت مرگ تقسیم کرد. عفونت‌هایی که درمانشان به تاخیر می‌افتد می‌توانند برآمدگی‌ها و یا آسیه‌های را

در محل زخم پدید آورند. همچنین درد و شوک می‌تواند به احتباس شدید ادراری منجر شود. به طور کلی

ناقاص سازی جنسی زنان، برای دختران و زنان مضرات روانی بسیاری دارد. همچنین به علت آسیب‌ها در

بخش بیرونی اندام تناسلی زنان و کلیتوریس، زنان دچار مشکلاتی در لذت بردن هنگام هم‌بستی که از

جمله حقوق آن‌هاست می‌شوند. زنانی که اندام تناسلی آن‌ها ناقص شده است در مقایسه با سایر زنان

بسیار از مشکلات زناشویی آسیب‌پذیرترند. این زنان نسبت به مشکلات زناشویی معمولی با مشکلات روحی و روانی مانند

احساس تحریک و نداشتن اطمینان، خفه کردن احساسات و شوند. نداشتن اطمینان، خفه کردن احساسات و

عوارض روانی ختنه دختران می‌باشد.

ناقاص سازی جنسی زنان در جهان و ایران

ختنه زنان موضوعی جهانی است. حداقل در ۲۸ کشور افریقایی، در برخی جوامع مربوط به خاورمیانه و آسیا، و

به طور فزاینده‌ای بین جوامع مهاجر در اروپا، نیوزلند، استرالیا، امریکا و کانادا صورت می‌گیرد. در ایران نیز با

این که این روند رو به کاهش است اما در بعضی مناطق مانند هرمزگان، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان

غربی هنوز این عمل انجام می‌شود. مطابق با آمار سازمان بهداشت جهانی، بین ۱۰۰ تا ۱۴۰ میلیون از زنان و دختران سراسر جهان

خشونت علیه زن می‌گویند. این خشونت می‌تواند با تهديد، اجبار یا سلب اختیار و آزادی، به صورت پنهان یا آشکار انجام شود. در اوایل دولت یازدهم بود که لایحه‌ای با عنوان منع خشونت علیه زنان راهی مجلس شد، لایحه‌ای که در مدت ۱۰۰ روزه جناب رئیس جمهور تدوین شده است، لایحه‌ای که حال با گذشت زمانی نسبتاً طولانی از تدوین آن هنوز بالاتکلیف مانده است؛ البته این بلافاصله بدین دلیل نیست و بازمی‌گردد به اشکالات اساسی که در این لایحه‌ی مقرر شده وجود دارد. از آنجایی که این لایحه دارای عنوان و محتوای قضایی است و در آن جرم انگاری شده است، بر اساس اصل ۱۵۸ قانون اساسی ابتداء باید در قوه قضاییه مطرح شود و مورد بررسی تخصصی قرار گیرد و این گذاشته رفع شود و بعد به مجلس بارگردد و به رای گذاشته شود. بر اساس برنامه ششم توسعه، قوه قضاییه وظیفه دارد در جهت آثار سوئی که جلس و مجلات هایی از این قبیل دارند نسبت به جرم‌زدایی و کاهش مجلات جلس اقدام کند. یکی از اشکالات اساسی که از این لایحه گرفته شده همین مورد مذکور است، به نقل از این‌ها معاون حقوقی قوه قضاییه، ذیبح الله خداییان، در این مورد اظهار کردند که لایحه منع خشونت علیه زنان به طور فوق العاده و ویژه در قوه قضاییه بررسی می‌شود. ایشان در میان صحبت‌هایشان بدين امر اشارة کردند که، از آنجا که در قوانین تازه مصوب شده تاکید بر جلس‌زدایی و استفاده از مجلات‌های جایگزین است و سعی در کاهش عنایین مجرمانه برای جلس‌زدایی می‌شود، برخی از مواد این لایحه پیشنهادی از سوی دولت وصف کیفری داشته و عمده‌تاً تمايل به جلس دارد. بر اساس ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است و چه بسا که اگر زن از شوهر خود شکایت کند و شوهر به زندان محکوم شود، زن چون از گذشته قرار فرقه در قوانین تازه مصوب شده تاکید بر جلس‌زدایی و در قوانین تازه مصوب شده تاکید بر جلس‌زدایی و این‌ها مذکور را ذکر کرده است:

۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او
۲- حمایت مادران خصوصاً در دوران بارداری و حضانت فرزندان و حمایت از کودکان بی‌سرپرست
۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ و کیان و بقای خانواده
۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست
۵- اعطای قیومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آن‌ها در صورت نبودن ولی شرعی از اشکالات اساسی که بر این اصل می‌توان مطற کرد حصری بودن موارد فوق است. گویی که این نیازها همیشه ثابت بوده و هستند ولی با این وجود نیتوان منع خشونت علیه زنان را ذیل بند اول این اصل جای داد و آن را نوعی احیای حقوق مادی و معنوی زن نام برد. بنابراین بر دولت در معنای اعم واجب است که در این جهت اقدام‌های لازم را اجام دهد. در ادامه با ارائه تعریفی جهانی از خشونت علیه زنان به بررسی روند تقدیم لایحه منع خشونت علیه زنان به مجلس تا کنون می‌پردازم.

جمع‌عومومی سازمان ملل متحد، خشونت علیه زنان را «هرگونه عمل خشونت‌آمیز بر پایه جنسیت که بتواند منجر به آسیب فیزیکی (بدنی)، جنسی یا روانی زنان بشود» تعریف کرده است که شامل «تهذید به این کارها، اعمال اجراء، یا سلب مستبدانه آزادی (چه در اجتماع و چه در زندگی شخصی)» می‌شود. اعلامیه رفع خشونت علیه زنان در سال ۱۹۹۲ بیان می‌کند که این خشونت ممکن است توسط افرادی از همان جنس، اعضای خانواده و حکومت اعمال شود.

همچنین هرگونه رفتار خشن وابسته به جنسیت را که همین وضع موجود تبدیل به قانون شود خود، بایی را برای سوءاستفاده از این قانون باز کند و باعث پایمال شدن هرچه بیشتر حقوق زنان شود و به اصطلاح چاقو دسته خود را ببرد. این لایحه اگر با همین وضع موجود تصویب شود نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد بلکه تورم بیش از پیش قانونی می‌شود.

۱۰۰ ماده به این حجم قوانین اضافه کرده و کار را از گذشته سخت‌تر می‌کند.